



آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج البلاغه

حبيب الله حليمى جلودار^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۸

چکیده

آنجا که دستیابی به بهترین جامعه و شناخت اصول و مبانی آن، از اساسی‌ترین اهداف شریعت الهی و تلاش انسان‌های صالح در میدان اندیشه و عمل بوده است، لذا در این مقاله آسیب‌هایی که از نظر سیاسی و اجتماعی، جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کند مورد بررسی قرار گرفته است تا به واسطه‌ی آن نظام‌های الهی از یورش آن آسیب‌ها مصون مانده و رهاورد نهضت‌های انبیاء و اولیاء، استمرار و گسترش یابند. این مقاله آفت‌های سیاسی و اجتماعی را در نهج‌البلاغه مطالعه، بررسی و تحلیل کرده و به همراه راهکارهای آن ارائه نموده است. آفت‌هایی چون هرج و مرج شغلی و اجتماعی، باج‌خواهی و امتیازطلبی، عدم توجه به نهادینه کردن آزادی‌های سازنده و قانونمند، بی‌توجهی به عدالت و ظلم به مردم، بی‌مهری با مردم و خط‌کشی‌های نامربوط، بی‌انصافی و نادیده گرفتن مظلومان، عدم وجود اعتذار هنگام اشتباه، بی‌توجهی به عامه‌ی مردم به همراه خشنودسازی خواص و ... آسیب‌هایی هستند که جامعه و نظام اسلامی را تهدید می‌کنند. وجود مبانی و مصادیقی از علوم سیاسی و اجتماعی در آن نشانه‌ی پویایی و جاودانگی و عدم تعلق آن به مکان و عصر خاصی است. لذا توجه به اندیشه‌ها و فرامین معصومین همیشه انسان و جامعه‌ی انسانی را از نابودی باز می‌دارد.

کلید واژه‌ها: آسیب، نهج‌البلاغه، اجتماع، امام علی(ع)

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

*: نویسنده مسئول

مقدمه

نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۴۰).

نیز می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده تو در اُمن و اُمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده‌ی تو بار دیگر اجراء گردد» (همان، خطبه‌ی ۱۳۱).

در جای دیگر اشاره دارند که اگر دشمن‌تان به صلحی دعوت‌تان می‌کند که خشنودی خدا در آن است آن را رد نکنید، چرا که صلح، موجب آسایش سپاهیان و آسودگی تو از غصه‌ها و امنیت شهرهاست (همان، نامه‌ی ۵۳).

امام علی (ع) استقرار حکومت را، موجب امنیت شغلی مؤمنان و کافران می‌دانند که از قِبَلِ آن امنیت اجتماعی ایجاد می‌شود که نیکوکاران در شادابی خواهند بود زیرا از دست بدکاران در امانند. حتی به پذیرش صلح پیشنهاد شده‌ی دشمن - که رضای خدا در آن باشد - دعوت می‌کند زیرا ضمانت امنیت اجتماعی و شغلی خواهد بود.

در همان نامه در مورد امنیت شغلی قضات خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه‌ی آنان در نزد تو در امان باشد. در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود، که با نام دین به هوا پرستی پرداخته، و دنیای خود را به دست می‌آوردند» (همان).

۲. باج خواهی و امتیاز طلبی

از مسایلی که عموماً و حتی بین خواص مرسوم شد و افراد را به سمت پذیرش مسئولیت تشویق می‌نماید مبدل شدن مسئولیت و پاسخ‌گو بودن به باج خواهی و امتیاز طلبی است. به همین دلیل برخی برای کسب امتیازاتی از قبیل مالی، رفاهی و ... برای خود و اطرافیان، نه تنها مسئولیت را بدون تأمل در توان خود، می‌پذیرند بلکه با شیوه‌های مختلف از قبیل واسطه‌ها و وامدار شدن به این و آن، دنبال این امتیازات اجتماعی جهت رانت خواری، شب و روز می‌گذرانند. و این آفت و آسیب اجتماعی با کمال تأسف فراگیر شده است.

حضرت علی (ع) در این مورد با اخطار شدید به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا هرگز در آن چه با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی! از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی! زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به زودی پرده از کارها به یک سو رود و انتقام ستم‌دیده را از تو بازستانند.

اگر در شئون اجتماع انسانی، خواص و آثار آن دقت کنیم به نحوی در می‌یابیم که نطفه‌ی اصلی «اجتماع» را طبیعت انسان تشکیل می‌دهد و باز هم، همین طبیعت انسان است که شعب مختلف اجتماع را به وجود می‌آورد؛ زیرا طبیعت انسانی طبق یک الهام الهی دریافته است که برای ادامه‌ی حیات و تکامل، محتاج به همکاری با سایر افراد و انجام کارهای اجتماعی است. لذا همین موضوع او را به تشکیل اجتماع و تطبیق افعال خود بر وضع اجتماعی وادار نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۳۷).

در فرهنگ لغت به هر پدیده‌ای که مایه‌ی تباهی و فساد چیزی شود، آسیب یا آفت گفته می‌شود^۱ (فیومی، بی‌تا، ج ۱: ۲۹، ال‌افه). بر اساس این فرموده‌ی امام علی (ع)^۲ که «لکل شیء آفة...» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ال‌افات، حدیث: ۵۱۴). اجتماع بشری نیز از این امر مستثنی نیست و پدیده‌ای است که در معرض آسیب‌ها قرار می‌گیرد، این آسیب‌ها در موقعیت و شرایط مختلف، متفاوت می‌باشند.

با قطع نظر از این موقعیت‌ها و شرایط، شاهد لطمه‌ها و خطراتی هستیم که یک اجتماع سالم را تهدید و در نهایت، بازدهی و اثر مطلوب آن را کاهش می‌دهد.

با توجه به این که مفهوم «اجتماع» به جمع کوچک و بزرگ هر دو اطلاق می‌شود، آسیب و آفات نیز برای همه‌ی اجتماعات بشری مصداق دارد؛ چه اجتماع کوچک اداری باشد و چه اجتماع بزرگ کشوری. که البته اجتماع کوچک اداری در درون کشور مصداق دارد.

در این مقاله به این سؤال پاسخ خواهیم داد که در امور سیاسی و اجتماعی ما چه آسیب‌ها و آفاتی وجود دارد که حضرت علی (ع) بدان با نگاه پیشگیری، پیش‌بینی و یا راه حل پرداخته باشد.

آنچه در اینجا می‌آید آفات و آسیب‌های سیاسی و اجتماعی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه به آن‌ها اشاره نموده است.

۱. هرج و مرج شغلی و اجتماعی

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی امنیت است، چه از نوع امنیت شغلی باشد چه از نوع امنیت اجتماعی. لذا امام بعد از نقل و نقد شعار انحرافی خوارج مبنی بر این که حکومت فقط از آن خداست می‌فرماید: «... مردم به زمام‌داری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه‌ی حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله‌ی حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها اُمن و امان و حق ضعیفان از

امام علی(ع) درباره‌ی خود به مردم می‌فرماید: «مردم! از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آن‌ها دوست‌دار ستایشند... پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید، چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید، با ظاهر سازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید...» (همان، خطبه‌ی ۲۱۶).

۴. بی‌توجهی به عدالت و ظلم به مردم

به فرمایش امام علی(ع) عدالت بیش از هر چیز دیگر گنجایش دارد که همه را راضی نگه دارد؛ یگانه‌ظرفیت وسیعی که می‌تواند همه را در خود جمع کند و زمینه‌ی رضایت عموم واقع‌گردد عدالت است. اگر کسی در اثر انحراف طبیعت و در اثر حرص و آز، به حق خود و حد خود قانع نباشد و تن دادن به حق بر او فشار وارد کند، جور و ظلم به او بیشتر فشار خواهد آورد (همان، خطبه- ۱۵۴).^۳

امام علی(ع) به مسئولانی که در نظام اسلامی به ساماندهی امور جامعه مشغولند گوشزد می‌نمایند که «مسئولیت وسیله‌ی آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است، ... تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، ... در دست تو اموالی از ثروت- های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی...» (همان، نامه‌ی ۵). یعنی مسئولیت لقمه‌ی چرب در دست شخص نیست بلکه امانت مردم است و خیانت در امانت کار قبیح و زشتی است. آن حضرت به مسئولان تحت امر خود چنین هشدار می‌داد: «هر کس پس از من سرپرستی را بر عهده گیرد، روز رستاخیز در کنار صراط نگاهش می‌دارند، فرشتگان نامه‌ی اعمالش را می- گشایند؛ اگر در میان مردم به عدالت رفتار کرده است، عدالت او نجات بخش او خواهد بود، و اگر برخلاف آن رفتار کرده باشد، در آتش دوزخ سرنگون می‌گردد.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۶)

به امام علی(ع) گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آن‌ها را جذب می‌کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش بخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند. امام علی(ع) فرمود:

«آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره‌ی امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۶).

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۸۳).

و تا آنجا اخطار نسبت به این آفت را تأکید می‌نماید که می‌فرماید: «پست فرمانداری برایت، وسیله‌ی آب و نان نیست، بلکه امانتی است در گردن تو...» (همان، نامه‌ی ۵).

در مورد توجه به بیت‌المال تذکر شدید می‌دهد که: «... اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم، تا چه رسد که جزء اموال خداست؛ آگاه باشید!» (همان، خطبه‌ی ۱۲۶).

۳. عدم توجه به نهادینه کردن آزادی‌های سازنده و قانونمند

آزادی یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و به تعبیر دیگر جزء معنویات انسان است.^۱ آزادی برای انسان ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. انسان‌های واقعی، حاضرند با شکم گرسنه و تن برهنه و در سخت‌ترین شرایط زندگی کنند ولی در اسارت یک انسان دیگر نباشند و آزاد زندگی کنند (مطهری، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳: ۱۱۷).

امام علی(ع) به امام مجتبی(ع) می‌فرماید: برده‌ی دیگری مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفرید (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱). زیرا امام علی(ع) خود منادی آزادی است و از مردمان کوفه گله‌مند است که چرا از آزادی‌های اجتماعی دفاع نمی‌کنند (همان، خطبه‌ی ۹۷) مبین همین نگاه است آنگاه که امام علی(ع) به مالک اشتر نخمی توصیه می‌کند: «آن کس را ترجیح ده که سخن تلخ حق را به تو بیشتر بگوید» (همان، نامه‌ی ۵۳).

واقعاً در جامعه‌ی ما چند نفر وجود دارند که ردای مسئولیت و پاسخ‌گویی را بر دوش گرفته‌اند و در عین حال ارزش‌گذار گوینده‌ی حرف حق باشند؟! آیا این طریق، همان نهادینه کردن آزادی مشروع انسان‌ها نیست؟ وقتی انسان‌ها در جامعه‌ای بتوانند سخن حق را بگویند و مواخذه نشوند، چپلوسی و چپلوسان پرورش نمی‌یابند و آزادی ارزشمند انسانی توسعه می‌یابد و هم جامعه‌ای سعادت‌مند با ارتباطات سالم و شفاف به وجود می‌آید.

خطاب به مالک اشتر او را به رعایت انصاف و توجه به مظلومین تشویق می‌کند: «با خدا، با مردم، با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی، کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد، که با خدا سر جنگ دارد، تا آنگاه که باز گردد، یا توبه کند، چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است. ... من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتئی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد» پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن» (همان، نامه-۵۳).

۷. عدم وجود اعتذار، هنگام اشتباه

از مسایلی که تقریباً وجود ندارد عذرخواهی به هنگام اشتباه و خطا است. در حالی که این امر اگر موجب حلّ مشکل نشود موجبات محبت و مودت را به وجود می‌آورد، و روحیه‌ی شجاعت و شهامت را در پذیرش اشتباه بالا برده و از فرافکنی‌های بی‌مورد جلوگیری می‌نماید.

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به شیوه‌ای زیبا، اعتذار را نه تنها به هنگام خطا بلکه آنگاه که مردم تصور و گمان ناراست پیدا کردند لازم می‌داند. لذا به مالک اشتر نخطی می‌نویسد: «و هر گاه مردم به تو بدگمان گردند، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجات‌شان ده، که این کار ریاضتی برای خود سازی تو، و مهربانی کردن نسبت به شهروندان است، و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد» (همان، نامه‌ی ۵۳). که به نظر می‌آید، باید «هدف» در تمام امور در جهت واداشتن مردم برای اقامه‌ی حق و عدالت اجتماعی باشد. که این خود، فلسفه‌ی ارسال رُسل و انزال کُتب است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید/۲۵) "ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند."

۸. بی‌توجهی به عامه‌ی مردم به همراه خشنودسازی خواص

از مفاسدی که معمولاً از انسان‌های فرومایه سرمی‌زند این است که از مردم عادی و به بالادست‌ها- همان‌ها که وامدارشان

به مالک نیز سفارش می‌کند که «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چون حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، ...» (همان، نامه‌ی ۵۳).

امام علی (ع) در برائت از ستم به خلق می‌فرماید: «سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی بوته‌های خاردار به سر ببرم یا با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. چگونه بر کسی ستم کنم برای جانی که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می‌رود و در خاک، زمانی طولانی اقامت می‌کند» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۵۹).

۵. بی‌مهری با مردم و خط‌کشی‌های نامربوط

از آفات و آسیب‌های پرخطر که دشمنان جامعه‌ی اسلامی را جرأت می‌دهد تا نقب بزنند و سوراخ‌هایی بیابند تا به اجتماع اسلامی ضربه بزنند وجود خط و مرزهای افراطی و نادرست در بین مردم است. افرادی که دارای دیدگاه تحزبی افراطی هستند همیشه به دنبال جذب حداقلی و دفع حداکثری می‌باشند. این امر موجب ناراضی‌های اجتماعی و به تدریج دلسردی نسبت به امور کشور و مهیا شدن روزنه‌های امید برای دشمن می‌شود.

امام علی (ع) در خطابش به مالک اشتر ضمن توصیه به مهربانی و دوستی با قاطبه‌ی مردم، از درنده‌خویی بر حذر می‌دارد و استدلال می‌نماید که مردم دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش همانند تو می‌باشند. خداوند ساماندهی امورش را از تو خواسته است و به وسیله‌ی آن‌ها تو را آزمایش کرده است. لذا خودت را آماده‌ی جنگ با خدا مکن که کیفر او را تاب نیاری و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان مباش و از کیفر مردم شادی مکن ... زیرا مهربانی تو نسبت به آنان، دل‌های‌شان را به تو می‌کشاند (همان، نامه‌ی ۵۳).

۶. بی‌انصافی و نادیده گرفتن مظلومان

در برخی موارد معمول شده که در جامعه، فرد ظالم محبوب به نظر می‌آید و مظلوم مغفور و مطرود می‌شود؛ این ظلمی است که امام علی (ع) برای این که اجتماع بشری بدان دچار نشود می‌فرماید: «ای مردم! برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید. به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را از ظالم ستمگر بستانم، مهار ستمگر را بگیرم و به آب‌شخور حق وارد سازم، گر چه تمایل نداشته باشد» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۶).

مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر مردم ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده‌ی سنت پیامبر(ص) متروک، هوا پرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان شود. مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کيفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود. پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید» (همان، خطبه‌ی ۲۱۶).

امام علی(ع) در باره‌ی توجه مسئولین به حقوق فرد فرد مردم می‌فرماید: «خداوند بر مسئولینی که قصد اجرای عدل دارند فرض نمود که برای رعایت حقوق شهروندان، در خوراک و پوشاک مانند ضعیف‌ترین مردم باشد تا فقر مردم آن‌ها را نیاززد و به طغیان نکشاند»^۴ (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۹؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج: ۱، ۴۱۰).

۱۰. عدم وجود نظارت درست و مداوم

وقتی خداوند منان برای تکوین شخصیت الهی انسان و حفظ آن، به فرمایش حضرت امیر (ع) بر بندگان نگاهبانانی گماشته است، و دیدبان‌هایی از پیکرشان برگزیده و حافظان راستگویی منصوب نموده است که اعمال‌شان را حفظ کنند و شماره نفس‌های آنها را بشمارند، آنها آن چنان پرحسبند که نه تاریکی شب بنده‌اش را از آنان می‌پوشاند و نه دری محکم انسان را از آنها پنهان می‌سازد» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۷). چرا بشر برای حفظ کيان انسانی فرد فرد انسان‌های مسلمان، عمل نظارت را جدی نگیرد و بدان اهتمام نداشته باشد؟!

از نگاه نگارنده نظارت از اموری است که هم، نوع درونی آن (تقوا) لازم است و هم، نوع بیرونی. و از انواع بیرونی، هم نوع انسانی آن ضروری است و هم نوع صنعتی آن.

امام علی(ع) در سیاست‌ها و تدابیر اجتماعی، گماردن جاسوسان و تداوم نظارت بر کارگزاران را موجب امانت‌داری و رفتار مهربانانه آنان با شهروندان می‌داند: «رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفایه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با شهروندان خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کيفر

است- سواری می‌دهد. لذا از آسیب‌های خطرناک که نقش و حضور مردم را در صحنه‌های اجتماعی کم‌رنگ می‌کند توجه به خواص است.

حضرت علی(ع) برای پیشگیری از این آفت، راهکارهایی ارائه فرمودند که بکارگیری آن، اجتماع بشری را به فعالیت و حضور حداکثری وامی‌دارد: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، در خواسته‌هایشان پافشارتر، در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین، نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

۹. عدم توجه به حقوق مردم و مسئولین از منظر فردی و اجتماعی

حق خصلتی دارد که «اگر به سود کسی اجرا شود و ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار می‌رود، و چون به زیان کسی اجراء شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده‌ها» (همان، خطبه‌ی ۲۱۶).

از آفاتی که باید با دقت بیشتری بدان نگرسته شود و از آن جلوگیری گردد قائل نبودن حقی به گردن مردم نسبت به مسئولین است. مسلماً مسئولین نیز بر عهده‌ی مردم حقوقی دارند که باید به حساب آمده و اعاده شود. و البته در کنار آن حقوق ملت هم از اموری است که نباید تضییع گردد، و این رعایت حقوق باید در سراسر مشی مسئولین جاری و ساری باشد.

امیر المؤمنین در سراسر خطبه‌ی ۲۱۶ از حقوق مردم و مسئولین سخن گفته است که هر یک باید آن را به خوبی ادا کنند.

«... در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرده، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، عزت دین قرار داد. پس شهروند اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درست‌کاری شهروندان. آنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند، و زمامدار حق

بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند. ... هیچ‌گاه خود را فراوان - مدت طولانی - از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک، کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید» (نهج-البلاغه، نامه‌ی ۵۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴۲).

نیز در نامه‌ای به قثم بن عباس - فرماندارش در مکه - می‌فرماید: «جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم، و جز چهره‌ات دربان‌ی وجود نداشته باشد، و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان، زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، تو را نستاید، گر چه در پایان حاجت او بر آورده شود» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۷).

۱۲. فرصت‌طلبی و سوء استفاده از ضعف‌های مردم

آنچه در زندگی رسول خدا(ص) برجسته است این که او از نقاط ضعف مردم و جهل آنان استفاده نمی‌کرد؛ برعکس، با آن نقاط ضعف مبارزه می‌کرد و مردم را به جهالت‌شان آگاه می‌ساخت. روزی که ابراهیم پسر هجده ماهه‌اش از دنیا رفت از قضا آن روز خورشید گرفت. مردم گفتند: علت این که کسوف شد مصیبتی است که بر پیامبر خدا وارد شد. او در مقابل این خیال جاهلان‌های مردم سکوت نکرد و از این نقطه‌ی ضعف استفاده نکرد، بلکه به منبر رفت و گفت: ایها الناس! ماه و خورشید دو آیت از آیات خدا هستند و برای مردن کسی نمی‌گیرند، هرگاه ماه و خورشید گرفت نماز آیات بخوانید. لذا از منبر پایین آمد و با مردم نماز خواند(برقی، ۱۳۷۱: ۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲؛ ج ۱۵۵).

امام علی(ع) به پیروی از شیوه‌ی رسول خدا(ص) در توصیه‌اش به مالک‌اشتر می‌فرماید: «از مردم، آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه که هویداست بیوشانی، که داوری رازی که از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر مردم پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند، گره‌ی هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رسته‌ی هر نوع دشمنی را قطع کن، و از آنچه که در نظر روشن

کن، و آن چه از اموال در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، خیانت‌کار بشمار و طوق بد نامی به گردنش بیفکن» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

۱۱. ترویج روابط در انجام ضوابط، دوری از ارتباط مستقیم و توسعه‌ی بروکراسی غلط

وضعیت رسیدگی به امور مردم به آنچنان بیماری دچار شده است که هر کس برای پی‌گیری یک کار کوچک در سازمانی کوچکتر به دنبال آشنایی برای ورود به آن سازمان است، تا مثلاً به موقع، همراه با خلقی نیکو، کار قانونی و منطبق با ضوابطش را انجام دهند!

در بسیاری جاها، آفت و آسیب در این جهت است که مسئولین نه با شهروندان ارتباط مستقیم دارند و نه از مدیریت متمرکز پرهیز دارند، یعنی اگر امکان دیدار نباشد، سازوکاری تعریف نمی‌کنند تا امور مردم با بروکراسی صحیح انجام پذیرد.

ماکس وبر فیلسوف آلمانی، مبتکر بروکراسی و صاحب کتاب «بروکراسی ایده‌آل» معتقد است که حکومت عقلانی با اختیارات منطقی که بر مذهب اصالت عقل و منطق استوار است نوعی کنترل صحیح بر روی کلیه‌ی فعالیت‌های امور جامعه‌ی بشری است. بنا بر نظریه‌ی وبر قدرت، ناشی از مقام است؛ و اطاعت، وجهی است لازم که صرفاً به اعتبار برهان‌های منطقی و عقلانی در افراد به وجود می‌آید؛ در این حال دستوردهنده بنا بر تفویض اختیارات حاصله، فرمان‌ها و دستوراتی را صادر می‌کند؛ و اطاعت افراد مادون، صرفاً به اعتبار آن است که شاغل مقام فرماندهی، کلیه‌ی اختیارات حاصله را بر اساس عقل و منطق به دست می‌آورد، و بنا بر آن اصول، رعایت به کار بستن آنها لازم‌الاجراء است. پیروان او معتقدند که ناخوشی سیستم بروکراسی امروز حاصل عدم رعایت برهان‌های بروکراسی حقیقی می‌باشد(پرهیزکار، ۱۳۵۲: ۱۵۲).

اما امام علی(ع) روشهایی توصیه می‌نماید که اگر از جانب همه-ی افراد در همه‌ی شئون، اجرایی شود هم روابط اجتماعی تلطیف می‌گردد و هم ضوابط بر انجام امور حاکم می‌شود و هم بروکراسی غلط جای خود را به نوع صحیح آن می‌دهد.

«مالک! بخشی از کارها به گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که منشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند و دیگر، بر آوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت در رفع نیاز آنان ناتوانند، کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد. ...

اطاعت شود، یعنی نگو مأمورم و معذور که این گونه خودبزرگ بینی دل را فاسد، دین را پژمرده می کند و موجب زوال نعمت هاست» (همان، نامه ۵۳).

در نامه اش به محمد بن ابی بکر می فرماید: «هر گاه در میان مردم داوری می کنی، در برابر آنان فروتنی کن و به نرمی رفتار نما و گشاده رو باش و در نگاه کردن به گوشه ی چشم و خیره شدن، با برابری رفتار کن، تا بزرگان به ستمگری ات به سود آنان طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو بر آن ها ناامید نباشند» (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۵۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۳: ۵۸۶؛ و نهج البلاغه، نامه ی ۴۶ نیز در همین مضمون است).

۱۴. عدم توجه به خدمات شهری

از آسیب های مورد توجه در هر کوی و خیابان ضعف خدمات و آبادانی شهری است و در مقابل از نشانه های خدمات رسانی به مردم توجه به خدمات شهری و آبادانی آن است.

امام علی (ع) در نامه ی خود به مالک اشتر برای فرمانداری مصر، فرمان می دهد که از وظایف حکمران گردآوری مالیات، نبرد با دشمنان، بهبود زندگی شهروندان و آبادانی شهرها است. ... باید تلاش تو در آبادانی، بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی شود، آن کسی که بخواهد خراج را بدون آبادانی به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود سازد و حاکمیتش جز اندک مدتی دوام نیاورد» (نهج البلاغه، نامه ی ۵۳).
آن حضرت (ع) در کلامی کوتاه برتری یک حکمران را در آبادانی شهرهایی می داند که او حاکم آن است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۵۶۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۲ش: ۲۱۱).

۱۵. تمامیت طلبی و دوری از وحدت کلمه و مشارکت

عمومی

تلاش در جهت وحدت کلمه و جلب مشارکت عمومی از اموری است که در تعالی یک جامعه بسیار مهم است. امام علی (ع) با رهنمودی در جهت مقابله با فتنه ها می فرماید: «... پس سعی کنید شما نمودارهای فتنه ها و نشانه های بدعت ها نباشید و آنچه پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه های طاعت بر آن پایدار است بر خود لازم شمارید» (نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۱).
یا در قسمتی از نامه اش به ابوموسی اشعری در امر حکمیت می نویسد: «و بدان که در یکپارچه کردن امت پیامبر و بدانچه با خود عهد کردم وفا کنم» (همان، نامه ی ۷۸).

همچنین در استدلال خود به مالک اشتر برای جلب خشنودی و مشارکت عامه ی مردم، این گونه می نویسد: «... زیرا ستون های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره ی

نیست کناره گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن - چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می شود اما خیانتکار است» (نهج البلاغه، نامه ی ۵۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۸).

در این رابطه وقتی نزد حضرت آمدند و گفتند: «یا علی! معاویه از تو زیرک تر و سیاست مدارتر است، فرمود: سوگند به خدا، معاویه از من سیاست مدارتر نیست، اما معاویه حيله گر و جنایتکار است، اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرک ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (نهج البلاغه، خطبه ی ۲۰۰).

امام علی (ع) این نبود که عیوب مردم را بیاید و از آن ها سوء استفاده کند و یا این که از حيله و نیرنگ که پایگاه آن ساده انگاری و فریب مردم است در مسیر اجرای سیاست های خود استفاده نماید.

۱۳. تغییر «ارباب رجوع» به «نوکر رجوع» به خاطر بی توجهی و برخورد تند

چه زمان و چگونه باید از این درد فراگیر اجتماعی خلاص شویم که وقتی به مسئولی چه خرد و چه کلان برخوردیم احساس کنیم که گویی کار خود را انجام می دهد یا بتوانیم با لحنی مؤذبانه بگوییم: «لطفاً تلفن را پایان دهید و کار بنده را رسیدگی نمایید!»
امام علی (ع) در سفارش خود به عبدالله بن عباس، هنگامی که او را در سال ۳۶ هجری به فرمانداری بصره منصوب کردند فرمودند: «هنگام دیدار با مردم و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده رو باش و از خشم بپرهیز، که سبک مغزی، و به تحریک شیطان است، و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک می سازد، از آتش جهنم دور، و آنچه تو را از خدا دور می سازد، به آتش جهنم نزدیک می کند» (همان، نامه ی ۷۶).

«اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می دهد، و تند روی تو را فرو می نشاند، و عقل و اندیشه ات را به جایگاه اصلی باز می گرداند.

مبادا هرگز با خدمت هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده ای داده، سپس خلف وعده نمای. منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: "دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگوید و عمل نکند..."

از خشمی که توانی از آن رهایی یابی شتاب نداشته باش، به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می دهم پس باید

خطاکشی‌های نامربوط زاده می‌شود که امام (ع) بدان هشدار داده‌اند.

امام علی(ع) به آسیب بی‌انصافی و نادیده گرفتن مظلومان اشاره کرده‌اند زیرا در برخی موارد معمول شده است که در جامعه، فرد ظالم محبوب به نظر می‌آید و مظلوم منفور و مطرود می‌شود. وجود اعتذار به هنگام اشتباه اگر موجب حلّ مشکل نشود موجبات محبت و موذت را به وجود می‌آورد، لذا امام علی(ع) به آفت عدم وجود اعتذار، هنگام اشتباه نیز توجه داده‌اند.

بی‌توجهی به عامه‌ی مردم به همراه خشونددسازی خواص از آسیب‌های خطرناکی است که نقش و حضور مردم را در صحنه‌های اجتماعی کمرنگ می‌کند، که البته از انسان فرومایه سر می‌زند.

امام علی(ع) در سیاست‌ها و تدابیر اجتماعی، گماردن جاسوسان و تداوم نظارت بر کارگزاران را موجب امانت‌داری و رفتار مهربانانه آنان با شهروندان می‌داند؛ لذا نسبت به آفت عدم وجود نظارت درست و مداوم هشدار می‌دهد.

در بسیاری اماکن، آفت و آسیب در این جهت است که مسئولین نه با شهروندان ارتباط مسقیم دارند و نه از مدیریت متمرکز پرهیز دارند، یعنی در انجام ضوابط به ترویج روابط نادرست می‌پردازند.

شیوه امام علی(ع) این نبود که عیوب مردم را بیابد و از آن‌ها سوء استفاده کند و یا این که از حيله و نیرنگ که پایگاه آن ساده انگاری و فریب مردم است، در مسیر اجرای سیاست‌های خود استفاده نماید. لذا فرصت‌طلبی و سوء استفاده از ضعف‌های مردم را آفتی برای امور سیاسی و اجتماعی می‌دانست.

امام علی(ع) با تمام درایت توصیه می‌نماید تا مراقب باشند که نوع رفتار و نگرستن به مردم، به جایگاه ارباب رجوع خدشه‌ای وارد ننماید.

آن حضرت در کلامی کوتاه برتری یک حکمران را در آبادانی شهرهایی می‌داند که او حاکم آن است. لذا عدم توجه به خدمات شهری را آفتی دیگر می‌داند.

تلاش در جهت وحدت کلمه و جلب مشارکت عمومی از اموری است که در تعالی یک جامعه بسیار مهم است. و لکن از آفات خطرناک جامعه‌ی بشری تمامیت‌طلبی و دوری از وحدت کلمه و مشارکت عمومی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «الافه: عرض یفسد ما یصیبه».

۲. قال علی (ع): لكل شیء آفة...

دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد(همان، نامه‌ی ۵۳).

نتیجه‌گیری

بی‌شک غفلت از آفاتی که می‌تواند به یک جامعه‌ی مطلوب آسیب برساند، بسیار خطرناک خواهد بود و رهاورد همه‌ی تفکرات و زحمات را نابود می‌سازد. انسان بدون جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی آن به اهداف خود نمی‌رسد. لذا جامعه‌ای که برپایه‌ی شریعت حق استوار نیست و طبق اصول صحیح اسلامی رفتار نمی‌کند، نمی‌تواند باعث ترقی و تکامل انسان‌ها شود و همواره با اعتراض خدای تعالی از طریق انبیاء، اولیاء و متفکران روبه‌رو خواهد بود و البته جامعه‌ای را هم که حاکمیت اسلامی داشته باشد، آسیب‌ها و آفت‌هایی تهدید می‌کند که در این مقاله با دقت در فرامین امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، آسیب‌ها و آفت‌هایی که به بدنه‌ی اجتماع بشری رسوخ می‌کند و آن را از درون می‌پوساند بررسی، تحلیل و تبیین شد.

غالب آنچه که در نهج‌البلاغه‌ی امام علی(ع) گرد آمده از آن زمان حاکمیت آن حضرت است که امام (ع) جهت استفاده به عنوان چشم‌انداز، پیشگیری یا اصلاح امور تذکر می‌دادند.

هرج و مرج شغلی و اجتماعی، یکی از آسیب‌ها است که امام علی(ع) حتی به پذیرش صلح پیشنهاد شده‌ی دشمن - که رضای خدا در آن باشد - دعوت می‌کند زیرا این عمل، ضمان امنیت اجتماعی و شغلی خواهد بود.

اخطار امام علی(ع) بر این که پست و مقام، وسیله‌ی آب و نان نبوده، بلکه امانتی است در گردن مسئول؛ به آسیب باج خواهی و امتیازطلبی مسئولین اشاره دارد تا مراقب رفتار خود در جامعه و نگران پاسخگویی در محضر خدا باشند.

امام علی(ع) در توجه به نهادینه کردن آزادی‌های سازنده و قانونمند، بر این امر تأکید دارد که وقتی انسان‌ها در جامعه‌ای بتوانند سخن حق را بگویند و مؤاخذه نشوند، چپلوسی و چپلوسان پرورش نمی‌یابند و آزادی ارزشمند انسانی توسعه می‌یابد و جامعه‌ای سعادت‌مند با ارتباطات سالم و شفاف به وجود می‌آید.

بی‌توجهی به عدالت و ظلم به مردم، از آن جهت آسیب است که اگر ظرفیتی نتواند همه را در خود جمع کند و زمینه‌ی رضایت عموم را فراهم نماید، عدالت ندارد در نتیجه آفت ظلم، جامعه را تهدید می‌کند.

دیدگاه تحزبی افراطی همیشه به دنبال جذب حداقلی و دفع حداکثری است که نارضایتی اجتماعی، و دلسردی نسبت به امور کشور را در پی دارد و این از آفت بی‌مهری با مردم و

۶. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ
بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ».

منابع
قرآن کریم
نهج البلاغه (بی تا)، تصحیح: صبحی صالح، قم: انتشارات
دارالهجره.
ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتاب-
خانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۳.
برقی، احمدین محمدین خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب
الإسلامیه، ج ۲.
پرهیزکار، کمال (۱۳۵۲)، تئوری های مدیریت، تهران.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش)، غررالحکم و
دررالكلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
حرآنی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: مؤسسه
انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۲.
دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه امام علی (ع)، قم:
انتشارات مشهور.
طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر
انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ج ۵.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت:
دارالتراث، ج ۲.
فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، مصباح المنیر فی غریب
الشرح الکبیر، بیروت: المكتبة العلمیه.

۳. معنویات انسان یعنی چیزهایی که مافوق حد حیوانیت اوست.
۴. «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا».
۵. «أَنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ».

منابع

قرآن کریم

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تحقیق، تصحیح و تعلیق:
علی اکبر غفاری، طهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۴.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر الاخبار
الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲)، دانشنامه ای امیرالمؤمنین بر
پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه مهدی مهریزی، قم: نشر
دارالحدیث، ج ۱.
محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۶ق)، میزان الحکمه، قم: دار
الحدیث.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.